

پایداری و آیین بهائی

مایکل کارلبرگ

درآمد: پیروان آیین بهائی - آیینی که در قرن نوزدهم در ایران بنا نهاده شد - طبیعت را تجلی اراده‌ی الهی می‌دانند، دین و علم را رهیافت‌هایی مکمل برای رسیدن به حقیقت می‌شمارند، و به آن دسته از فرایندهای توسعه‌ی فردی و اجتماعی می‌پردازند که وحدت، وابستگی متقابل، عدالت اجتماعی، و پایداری بوم‌شناختی را ترویج می‌کند. آیین بهائی که در قرن نوزدهم بنا نهاده شد، اکنون بیش از پنج میلیون پیرو در سراسر جهان دارد و نمونه‌ی کوچکی از کل نوع بشر است. بهائیان طبیعت را تجلی اراده‌ی الهی می‌دانند، دین و علم را رهیافت‌هایی مکمل برای رسیدن به حقیقت می‌شمارند، و به آن دسته از فرایندهای توسعه‌ی فردی و اجتماعی می‌پردازند که وحدت، وابستگی متقابل، عدالت اجتماعی، و پایداری بوم‌شناختی را ترویج می‌کند.^۱

آیین بهائی، دین جهانی نوظهوری است که به چالش‌های روحانی، اجتماعی، و بوم‌شناختی بشریت در عصر یکپارچگی فزاینده‌ی جهانی می‌پردازد. بنیان‌گذار ایرانی آیین بهائی، بهاءالله (۱۸۹۲-۱۸۱۷)، جهانیان را به پذیرش عصر نوظهور وابستگی متقابل جهانی و همچنین اجرای اصول و رسومی فرا خواند که می‌تواند مبنای تأسیس نظم جهانی عادلانه‌تر و پایدارتری باشد. تا همین اواخر، جامعه‌ی نوپای بهائی تا حد زیادی بر فرایندهای رشد درونی خود متمرکز بود و هنوز هم بخش عمده‌ای از توجه جامعه به این امر معطوف است. اما گسترش و تحکیم جامعه‌ی بهائی در سراسر جهان، منابع انسانی و ظرفیت‌های اداری‌ای را برای این جامعه فراهم کرده که به کمک آنها می‌تواند به شیوه‌ای مستقیم و نظام‌یافته به مشکلات اجتماعی و بوم‌شناختی معاصر بپردازد؛ امری که مدتی است آغاز شده.

برای نمونه، در سال ۱۹۸۷ آیین بهائی به شبکه‌ی حفظ منابع طبیعی و دین صندوق جهانی طبیعت^۲ پیوست. دو سال بعد، مجموعه منتخباتی از متون مقدس بهائی با عنوان حفظ منابع زمین^۳ منتشر شد. مطالعه‌ی این سند الهام‌بخش بهائینی شد که نوآوری‌های فراوانی را در زمینه‌ی پاسداری بوم‌شناختی و توسعه‌ی پایدار در سراسر جهان

آنچه می‌خوانید برگردان مقاله‌ی زیر است:

Michael Karlberg (2009) 'Baha'i', in *Berkshire Encyclopedia of Sustainability: Vol.1 The Spirit of Sustainability*, Berkshire Publishing Group, pp. 28-32.

مایکل کارلبرگ، استاد ارتباطات در دانشگاه وسترن واشنگتن در آمریکا است. از او یک کتاب و بیش از بیست مقاله در نشریات پژوهشی منتشر شده است.

² World Wide Fund for Nature's Network on Conservation and Religion

³ Conservation of the Earth's Resources



انجام دادند. از میان این فعالیت‌ها می‌توان به برنامه‌های آموزش زیست‌محیطی، طرح‌های حفاظت از منابع طبیعی، درختکاری، نوآوری در خصوص فناوری‌های پایدار، کمپین‌های آگاهی‌افزایی با استفاده از هنرها، و تلاش برای تأثیرگذاری در عرصه سیاست‌گذاری اشاره کرد. این سند الهام‌بخش شمار روزافزونی از پژوهش‌هایی بوده که به بررسی ابعاد اجتماعی و بوم‌شناختی پایداری از منظر آیین بهائی می‌پردازد. افزون بر این، به تشکیل سازمان‌های حرفه‌ای ملهم از تعالیم بهائی، نظیر انجمن بین‌المللی محیط زیست^۴، انجامید که از بیش از ۵۰ کشور عضو دارد.

در نظام سازمان ملل، دفتر محیط زیست جامعه‌ی بهائی در فرایندهای برنامه‌ریزی منتهی به اجلاس زمین در سال ۱۹۹۲ در ریو دو ژانیرو به طور فعال مشارکت داشت. دفاتر بهائی در سازمان ملل در اکثر دیگر اجلاس‌های جهانی سازمان ملل درباره‌ی مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی در طول دهه‌ی ۱۹۹۰ فعال بودند و یکی از نمایندگان بهائی ریاست مشترک اجلاس هزاره‌ی سازمان‌های غیردولتی در پایان این دهه را بر عهده داشت. در سال ۱۹۹۵، بهائیان در تأسیس سازمان ائتلاف ادیان و حفاظت از منابع طبیعی^۵ شرکت کردند، و در سال ۱۹۹۸ یکی از بنیان‌گذاران سازمان ادیان جهان و گفتگو درباره‌ی توسعه^۶ بودند. عضویت در این سازمان‌ها به گفتگوی مستقیم بهائیان با دیگر جوامع دینی درباره‌ی بُعد روحانی پاسداری زیست‌محیطی و توسعه‌ی پایدار انجامید. این مشارکت بسیاری از بهائیان را به انجام پاره‌ای از اقدامات پایه‌ای (grassroots) در جوامع بهائی محلی تشویق کرد. برای مثال، می‌توان به تشکیل "گروه‌های یادگیری اجتماعی" در میان بومیان بری‌بری و کابکار در کاستاریکا اشاره کرد. فعالیت‌های این گروه‌ها عبارتند از مطالعه‌ی رابطه‌ی رهبری اخلاقی و پاسداری زیست‌محیطی؛ اجرای پروژه‌های توسعه‌ی پایدار از قبیل باغ‌های مدرسه‌ای و خانوادگی، و پرورش مرغ و ماهی؛ و همکاری با دیگر سازمان‌های محلی برای ترویج حفاظت از منابع طبیعی.

نگرش به طبیعت و جامعه

این احساس که هدفی روحانی در کار است شالوده‌ی تمام فعالیت‌های فوق است؛ احساسی که مبتنی بر تعالیم بهائی درباره‌ی طبیعت و جامعه است. پایه و اساس آیین بهائی عقیده به ذاتِ غیبِ منیعِ لایدرک (خدا) است. بهاء‌الله می‌گوید هرچند انسان‌ها از فهم خدا عاجزند، جهان طبیعت بازتاب صفات خدا و تجلی اراده‌ی اوست. به همین سبب، بهائیان موظفند به طبیعت احترام گذارند، در باب آن تأمل کنند، و به کمک روش‌ها و بینش‌های مکمل دین و علم از اسرار آن پرده بردارند.

در این رابطه، تعالیم بهائی توضیح می‌دهند که جهان آفرینش، به‌رغم تنوع فراوانش، کل یکپارچه‌ی ارگانیکی است که میان اجزایش به هم پیوستگی، روابط متقابل، و توازن وجود دارد. به همین ترتیب، بشریت هم کل ارگانیکی

⁴ International Environment Forum

⁵ Alliance of Religions and Conservation

⁶ World Faiths and Development Dialogue



است که باید همین روابط بر آن حاکم باشد. به نظر بهاء‌الله، دین تنها نیرویی است که می‌تواند بشریت را به این طریق متحد سازد.

تعالیم بهائی جامعه‌ی بشری را به بدن انسان تشبیه می‌کنند که سلول‌ها و اعضایش، به‌رغم شکل‌ها و کارکردهای گوناگون خود، به هم پیوسته‌اند و روابط متقابل دارند. در بدن انسان، سلامتی و بهروزی تک‌تک اجزاء از سلامتی و بهروزی کل جداشدنی نیست. به همین ترتیب، در پیکر عالم انسانی، منافع همه‌ی افراد و گروه‌ها به‌طور متقابل به یکدیگر وابسته است و بهروزی هیچ جزئی از بهروزی کل جداشدنی نیست.

نگرش آیین بهائی به طبیعت و جامعه متأثر از این جهان‌بینی ارگانیک است. بر اساس این جهان‌بینی، وحدت و معامله‌به‌مثل لازمه‌ی نظم اجتماعی عادلانه و پایدارند. بنابراین، بهائیان عقیده دارند مادامی که جوامع انسانی در تضاد و رقابت، متفرق، و به وابستگی متقابل ارگانیک خود بی‌اعتنا باشند، پرداختن به مشکلات اجتماعی و بوم‌شناختی - که دائماً در حال پیچیده‌تر شدن‌اند - به شیوه‌ای مؤثر و پایدار ناممکن خواهد بود.

دیدگاه تکاملی

بر اساس تعالیم بهائی، بشریت اکنون در مقطع تاریخی مهمی قرار دارد. تکامل اجتماعی بشریت میزان وابستگی متقابل را به‌طرز بی‌سابقه‌ای افزایش داده و بر تأثیر ما بر نظام‌های بوم‌شناختی‌ای که زندگی ما را پایدار می‌سازد به‌شدت افزوده است. اما الگوهای موروثی باور و رفتار، بشریت را از پرداختن به چالش‌های کنونی بازداشته است. از آنجا که ناسازگاری این الگوهای فرهنگی موروثی با شرایط فعلی به اثبات رسیده، بهائیان عقیده دارند بحران‌های اجتماعی و بوم‌شناختی عمیق‌تر و بیشتر خواهند شد.

به عقیده‌ی بهائیان، در این مقطع مهم از تاریخ بشر با این پرسش روبرویم که آیا وحدت ارگانیک و وابستگی متقابل نوع انسان را خواهیم پذیرفت و آگاهانه خود را با این شرایط وجودی جدید تطبیق خواهیم داد یا اینکه به الگوهای موروثی باور و رفتار خواهیم چسبید و برای آموختن وابستگی متقابل هزینه‌ی سنگینی خواهیم پرداخت و با بحران‌های اجتماعی و بوم‌شناختی عمیق‌تری روبرو خواهیم شد. هدف جامعه‌ی بهائی ایجاد تغییراتی در فرهنگ و آگاهی بشر است که بنای یک نظم اجتماعی عادلانه‌تر و پایدارتر را سرعت خواهد بخشید.

آثار بهائی با تشبیه جامعه‌ی بشری به بدن انسان به ما می‌آموزد که از مراحل نوزادی و کودکی جمعی گذشته‌ایم و به دوران پرتلاطم و گذرای نوجوانی جمعی رسیده‌ایم؛ دورانی که در آن قابلیت‌های جسمانی به کمال می‌رسد اما هنوز از حکمت و خرد دوران بلوغ خبری نیست. هرچند این دوران گذار دشوار است اما بهائیان اطمینان دارند عصر بلوغ که همه‌ی ادیان بزرگ گذشته به نحوی به آن اشاره کرده و منتظرش بوده‌اند، سرانجام فراخواهد رسید.

بر اساس تعالیم بهائی، این فرایند متضمن تغییری ارگانیکی در ساختار جامعه است که اصل یا حقیقت بنیادین یگانگی نوع بشر را منعکس خواهد کرد. این اصل مستلزم آگاهی از شهروندی جهانی، همراه با اتحاد همه‌ی ملل در قالب نظام حاکمیت یکپارچه‌ای است که بتواند امور بشری در سراسر کره‌ی زمین را هماهنگ و همساز کند. اصل یگانگی همچنین مستلزم امور زیر است: تثبیت برابری کامل زنان و مردان در همه‌ی عرصه‌های امور بشری؛ محور هر نوع تعصب و تبعیض نژادی، دینی، یا ملی؛ رواج یک واحد پول جهانی و دیگر ساز و کارهای یکپارچه‌کننده‌ای که عدالت اقتصادی و رفاه همگانی جهانی را ترویج کند؛ انتخاب یک زبان بین‌المللی برای تسهیل ارتباطات و فهم متقابل؛ خلع سلاح جهانی و صرف هزینه‌های انبوه نظامی در امور سازنده‌ی اجتماعی؛ و ظهور شیوه‌ای از توسعه‌ی پایدار که پاسداری و حفاظت از منابع طبیعی زمین، و توزیع عادلانه و منصفانه‌ی منافع حاصل از آن را تضمین کند.

ابعاد تغییر

برای ایجاد این تغییرات، آیین بهائی به هر دو بُعد فردی و نهادی تغییر توجه می‌کند. در سطح فردی، بهائیان به بعضی فعالیت‌های روحانی، از قبیل نماز و مناجات روزانه، و روزه‌ی سالانه می‌پردازند تا بر غرایز پست‌تر خود غلبه کنند و صفاتی روحانی نظیر از خودگذشتگی، اعتدال، خلوص نیت و تعهد به خیر همگانی را در خود پرورش دهند — صفاتی که به نظر آنها نه تنها از ملزومات روحانی فردی است بلکه از جمله پیش‌شرط‌های لازم برای داشتن آینده‌ی جمعی عادلانه و پایدار نیز به شمار می‌رود. به این منظور، جامعه‌ی بهائی روش‌های منظم و مدونی برای تعلیم و تربیت اخلاقی کودکان، توانمندسازی روحانی و فکری نوجوانان، و پرورش مهارت‌ها و قابلیت‌های جوانان و بزرگسالان برای خدمت به جامعه فراهم کرده است. به عنوان نمونه، مؤسسه‌ی روحی مواد و فرایندهای آموزشی‌ای را فراهم کرده که ده‌ها هزار تن از بهائیان و غیربهائیان در سراسر جهان از آن استفاده می‌کنند. علاوه بر این، بهائیان بر آموزش علوم و هنرها به افراد تأکید می‌کنند زیرا علم و هنر را قوای نیرومندی برای دگرگونی و پیشرفت اجتماع می‌دانند. نمونه‌هایی از این تأکید را می‌توان در طرح‌هایی نظیر مرکز توسعه‌ی مغولی در اولان‌باتور، مؤسسه‌ی توسعه‌ی بارلی برای زنان روستایی در هند، برنامه‌ی سوادآموزی اوگاندا برای دگرگونی، و بنیاد کاربست و آموزش علوم در کلمبیا دید.

این فرایندهای تعلیم و تربیت و توسعه‌ی فردی هر قدر دشوار باشند، باز هم بهائیان آنها را شرط لازم اما نه کافی برای تأسیس نظم اجتماعی عادلانه‌تر و پایدارتر می‌دانند. وجود نهادهای مسئول و کارآمد نیز برای این منظور ضروری است. به همین سبب، جامعه‌ی بهائی (در سطوح محلی، ملی، و بین‌المللی) سرگرم ایجاد ساختارها و رویه‌های نهادی مناسب برای عصر بلوغ بشریت است.

برای مثال، جامعه‌ی بهائی که در آن طبقه‌ی روحانی وجود ندارد، از نظام حاکمیتی مشارکتی و فرایند انتخاباتی منحصر به فردی بهره می‌برد که در عین دموکراتیک بودن هرگز حزبی و رقابتی نیست. همه‌ی اعضای بزرگسال جامعه‌ی بهائی می‌توانند در انتخابات شرکت کنند و هر عضوی که انتخاب شود وظیفه دارد به جامعه خدمت کند.

نامزدی، تبلیغات، یا مبارزه‌های انتخاباتی ممنوع است. رأی‌دهندگان تنها بر اساس وجدان خود عمل می‌کنند و آزادند به هر فرد صادق، درستکار، توانا، باتجربه، و خدومی رأی دهند. نه نفری که اکثریت آرا را به دست آورند به عنوان اعضای شورای حاکم خدمت خواهند کرد — گرچه هیچ‌یک نامزد انتخابات نبوده‌اند.

هدف از اصول مشورتی حاکم بر این شوراها تقویت ایده‌ی تصمیم‌گیری به مثابه فرایندی وحدت‌بخش و نه تفرقه‌آفرین است. این روش‌های انتخاباتی و تصمیم‌گیری بر امور جامعه‌ی بهائی در سطوح محلی، ملی، و بین‌المللی حاکم است. اکنون جامعه‌ی بهائی بیش از پنج میلیون عضو در میان بیش از دوهزار قومیت در همه‌ی کشورهای دنیا دارد که این روش‌های حکمرانی را در بیش از ده‌هزار جامعه در سراسر جهان می‌آموزند و اجرا می‌کنند. بر مبنای دهه‌ها تجربه‌اندوزی در مورد این روش‌ها، بهائیان نظام اداری خود را به عنوان الگویی که می‌توان از آن برای رسیدن به صورت‌های نهادی عادلانه‌تر و پایدارتر آموخت، به دیگران عرضه می‌کنند.

علم و دین

بهائیان علاوه بر توجه به فرایندهای تحول فردی و نهادی بر اهمیت استفاده از دانش و روش‌های علمی برای حل مشکلات فزاینده‌ی اجتماعی و بوم‌شناختی هم تأکید می‌کنند. با وجود این، بهائیان عقیده دارند تنها دین می‌تواند الهام‌بخش بینش، انگیزه، تعهد، از خودگذشتگی، و اقدامات یکپارچه‌ی لازم برای ایجاد نظم اجتماعی جهانی عادلانه و پایدار باشد.

بنابراین، بهائیان دین و علم را نظام‌های دانش مکملی می‌دانند که می‌توانند توسعه‌ی انسانی را هدایت کنند و قوای فکری و اخلاقی بشر را در فرایندهای تکامل اجتماعی به کار گیرند. بر اساس این دیدگاه، روش‌های علمی به بشریت اجازه داده درک منسجمی از قوانین و فرایندهای حاکم بر واقعیت مادی پیدا کنند. بینش‌های دینی، به نوبه‌ی خود، به اساسی‌ترین پرسش‌های مربوط به هدف و هستی انسان پاسخ داده، ارزش‌های مشترک و اصول لازم برای ترویج بهروزی نوع بشر را مشخص کرده، و به تلاش‌های فردی و جمعی — از جمله استفاده‌ی درست از شناخت علمی — جهتی سازنده داده است.

بهائیان تفاسیر کاملاً مادی‌گرایانه از واقعیت را که اغلب به اسم علم ارائه می‌شود یکی از موانع پرداختن به چالش‌های عاجل بشریت می‌دانند. در عین حال، دعاوی متعصبانه و تفرقه‌آمیزی را هم که اغلب به اسم دین اقامه می‌شود به همان اندازه نادرست و مانع‌آفرین می‌شمارند. بر اساس تعالیم بهائی، صورت ناب دین پدیده‌ای واحد، جهان‌شمول، و فراتاریخی است که پاسخ مستمر بشریت به تجلیات اراده و هدف الهی را منعکس می‌سازد. بهاء‌الله می‌گوید حقیقت دینی به مرور زمان بر حسب نیازها و قابلیت‌های در حال تکامل جوامع بشری ظاهر می‌شود. به عقیده‌ی بهائیان، در این مرحله از تاریخ، هدف دین احیاء و تأیید حقایق روحانی ابدی‌ای است که در همه‌ی ادیان

پیشین بیان شده است. افزون بر این، دین می‌خواهد توجه بشر را به وظیفه‌ی مهم خود برای فراگیری همزیستی عادلانه و پایدار در جامعه‌ای جهانی و به‌هم‌پیوسته معطوف سازد.

دورنما

هدف اصلی آیین بهائی وحدت روحانی خانواده‌ی بشری و تأسیس نظم جهانی عادلانه و پایدار است. شکاکان این طرح دیگرگون‌کننده را تجلی آرمان‌گرایی خام‌اندیشانه می‌دانند. به نظر بهائیان، این تنها راه واقع‌گرایانه‌ای است که در این مقطع مهم تاریخی در برابر بشر وجود دارد.

اما در این مرحله‌ی ابتدایی توسعه‌ی جامعه‌ی بهائی، اکثر بهائیان می‌پذیرند که هنوز موفق به اجرای بسیاری از تعالیم بهائی نشده‌اند. درک بهائیان از این تعالیم با یکدیگر بسیار تفاوت دارد و وقت و نیروی یکسانی را صرف اجرای برنامه‌های جامعه‌ی بهائی نمی‌کنند. برای بهائیان ترک عادت‌های فرهنگی و الگوهای فکری موروثی که اغلب با آرمان‌های بهائی مغایرت دارد، آسان نیست. تلاش بهائیان برای انتخاب سبک زندگی پایدارتر — مثل تلاش سایر انسان‌ها — اغلب به علت درک محدود از مسائل، یا جذابیت فرهنگ مصرفی، یا ساختارهای ناپایدار جوامع معاصر ناکام می‌ماند. اما با رشد و بلوغ تدریجی جامعه‌ی بهائی و تعقیب هدف بلندمدت دیگرگونی روحانی و اجتماعی، گفتمان داخلی این جامعه بیش از پیش به مسائل مربوط به پایداری توجه می‌کند، و ساز و کارهایی برای افزایش درک جامعه از اصول و روش‌های پایداری و تعهد به آنها به وجود می‌آید.

همساز با روحیه‌ی وسیع‌النظر بودن، تجربه‌اندوزی، و یادگیری منظم جامعه‌ی جهانی بهائی، بهائیان تجربه‌های خود را به عنوان نوعی آزمون اجتماعی گسترده در اختیار دیگران قرار می‌دهند. اما هنوز برای ارزیابی تجربی نتایج بلندمدت این آزمون بسیار زود است. با وجود این، تجربیات و دستاوردهای ابتدایی جامعه‌ی بهائی پرسش‌های تفکربرانگیزی را درباره‌ی امکان، یا چگونگی سازگاری نهایی بشریت با وابستگی متقابل روزافزون جهانی مطرح می‌کند.

رهیافت بهائی به پایداری

امروز آیین بهائی یگانگی نوع بشر، برابری زن و مرد، عدالت بین‌المللی و صلح جهانی را ترویج می‌کند که همگی در دستیابی به زندگی پایدار نقش دارند. بنیان‌گذار ایرانی آیین بهائی، بهاء‌الله (۱۸۹۲-۱۸۱۷)، بشریت را به اجرای این اصول در عصر نوظهور وابستگی متقابل جهانی فراخواند. عبارت‌های زیرگزیده‌ای از یکی از هزاران "لوح"ی است که او برای تأکید بر تفاسیر غیر تحت‌اللفظی کتاب مقدس و قرآن نوشت.

"و اِنَّه [كلمة الله] هذه العلة التي سبقت الكون المزمين بالطراز القديم، مع تجددّه و حدوثه في كل حين. تعالی الحكيم الذي خلق هذا البناء الكريم... قل ان الطبيعة بكيونتها مظهر اسمى المبتعث و المكون. و قد تختلف ظهوراتها بسبب من الاسباب و في اختلافها لآيات للمتفرسين. و هي الارادة و ظهورها في رتبة الامكان بنفس الامكان. و اِنَّها لتقدير من مقدر عليم.

(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، لانگنه‌این، آلمان: لجنه‌ی نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۹۸۱، صص ۸۴-۸۳)

برگردان: عرفان ثابتی

برای مطالعه‌ی بیشتر

- Arbab, Farzam. (2000). Promoting a Discourse on Science, Religion, and Development. In Sharon Harper (Ed.), *The Lab, the Temple and the Market: Reflections on the Intersection of Science, Religion and Development* (pp. 149–210). Ottawa: International Development Research Centre.
- Bahá'í International Community, United Nations Office. (n.d.). Statements and reports. Retrieved April 5, 2009, from www.bic-un.bahai.org
- Bahá'í International Community. (2008). For the Betterment of the World: The Worldwide Bahá'í Community's Approach to Social and Economic Development. New York: Office of Social and Economic Development, United Nations.
- Bahá'í International Community. (1987). *Statement on Nature*. New York: Bahá'í International Community Office of Public Information, United Nations.
- Bahá'í International Community. (1992). *Sustainable Development and the Human Spirit*. New York: Bahá'í International Community Office of Public Information, United Nations.
- Bahá'í International Community. (1992). *The Most Vital Challenge*. New York: Bahá'í International Community Office of Public Information, United Nations.



- Bahá'í International Community. (1993). *World Citizenship: Global Ethic for Sustainable Development*. New York: Bahá'í International Community Office of Public Information, United Nations.
- Bahá'í International Community. (1995). *Conservation and Sustainable Development in the Baha'i Faith*. New York: Bahá'í International Community Office of Public Information, United Nations.
- Bahá'í International Community. (1995). *The Prosperity of Humankind*. Haifa, Israel: Bahá'í International Community Office of Public Information.
- Bahá'í International Community. (1996). *Sustainable Communities in an Integrating World*. New York: Bahá'í International Community Office of Public Information, United Nations.
- Bahá'í International Community. (1998). *Valuing Spirituality in Development: Initial Considerations Regarding the Creation of Spiritually-based Indicators for Development*. New York: Bahá'í International Community Office of Public Information, United Nations.
- Bahá'í International Community. (2001). *Sustainable development: The Spiritual Dimension*. New York: Bahá'í International Community Office of Public Information, United Nations.
- Bahá'u'lláh. (1982). *Tablets of Baha'u' llah Revealed after the Kitab-i-Aqdas*. Haifa, Israel: Bahá'í World Centre.
- Bahá'u'lláh; Abdu'l-Bahá; Shoghi Effendi; & Universal House of Justice. (1989). *Conservation of the Earth's Resources: A Compilation by the Research Department of the Universal House of Justice*. Haifa, Israel: Bahá'í World Centre.
- Bushrui, Suheil. (2002). Environmental Ethics: A Bahá'í Perspective. In David Cadman and John Carey (Eds.), *A Sacred Trust: Ecology and Spiritual Vision* (pp. 77–102). London: The Temenos Academy and The Prince's Foundation.
- Dahl, Arthur L. (1990). *Unless and Until: A Baha'i Focus on the Environment*. London: Bahá'í Publishing Trust.
- Dahl, Arthur L. (1996). *The Eco Principle: Ecology and Economics in Symbiosis*. Oxford, U.K.: George Ronald; London: Zed Books.
- Hatcher, William S., & Martin, J. Douglas. (1998). *The Baha'i Faith: The Emerging Global Religion*. Wilmette, IL: Bahá'í Publishing Trust.
- Karlberg, Michael. (1994). Toward a New Environmental Stewardship. *World Order*, 25, 21–32.
- Karlberg, Michael. (2004). *Beyond the Culture of Contest: From Adversarialism to Mutualism in an Age of Interdependence*. Oxford, U.K.: George Ronald.
- Lalonde, Roxanne. (1994). Unity in Diversity: A Conceptual Framework for a Global Ethic of Environmental Sustainability. *The Journal of Baha'I Studies*, 6(3), 39–73.
- White, Robert A. (1995). Spiritual Foundations for an Ecologically Sustainable Society. *The Journal of Baha'i Studies*, 7(2), 47–74.
- Universal House of Justice. (1985). *The Promise of World Peace*. Haifa, Israel: Bahá'í World Centre.
- Vick, Holly Hanson. (1989). *Social and Economic Development: A Baha'i Approach*. Oxford, U.K.: George Ronald.

